

۵۰ قسم برای اثبات یک اتهام

گروه حوادث/ پرونده مرگ مرد جوانی که در مقابل چشمان پسر ۴ ساله اش با شلیک گلوله کشته شده بود، از سوی قضات دادگاه کیفری استان تهران از موارد لوث تشخیص داده شد و حکم به برگزاری مراسم قسامه دادند.
به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از آبان سال ۹۶ با مرگ مرد ۳۲ ساله‌ای به نام سعید که بر اثر شلیک گلوله به قتل رسیده بود، شروع شد. مرد جوان پس از اصابت گلوله به پهلویش در مسیر انتقال به بیمارستان فیاض بخش تسلیم مرگ شد. با اعلام موضوع به پلیس، مأموران به تحقیق از پسر دایی مقتول که در زمان قتل همراه او بوده پرداختند.

پیمان به مأموران گفت: دو ساعت قبل از جنایت، من و سعید و پسر ۴ ساله‌اش به قهوه‌خانه رفته بودیم که فردی با تلفن همراه سعید تماس گرفت و با هم قرار گذاشتند که همدیگر را ببینند. به همین خاطر زمان قرار با هم به حوالی اتوبان آزادگان رفتیم. دقایقی بعد شخصی با خودروی پژو ۲۰۷ به محل قرار آمد و در یک لحظه با اسلحه‌ای که همراه داشت به سعید شلیک کرد و بلافاصله از آنجا گریخت. من با اینکه شوکه شده بودم بلافاصله با پلیس تماس گرفتم و مأموران کلانتری ۱۷۹ خلیج فارس به محل آمدند و پس از آن هم قصد داشتیم که سعید را به بیمارستان برسانیم که او در بین راه فوت کرد.

پس از اظهارات پسر دایی مقتول، پلیس موفق شد مالک پژو ۲۰۷ را که فردی به نام بهرام بود شناسایی و دستگیر کنند. او که به ظاهر از دوستان مقتول بود پس از بازداشت مدعی شد که قتل عمدی نبوده و گلوله به طور ناخواسته شلیک شده است.

صبح روز گذشته رسیدگی به این پرونده در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد و پس از قرائت کیفرخواست از سوی نماینده دادستان، اولیای دم در جایگاه قرار گرفتند و از قضات خواستند تا قاتل قصاص شود. در ادامه متهم با رد اتهام قتل عمد به قضات گفت: من و سعید سال‌هاست که باهم دوست بودیم اما این اواخر به لحاظ مالی به اختلاف خورده بودیم و او بدهی‌اش را به من پرداخت نمی‌کرد. روز حادثه من با سعید تماس گرفتم و از او خواستم تا برای تسویه بدهی‌اش به اتوبان آزادگان بیاید که او با پسر خردسال و پسر دایی‌اش به محل قرار آمد و به محض اینکه من رسیدم با سنگ به من حمله کرد و شیشه ماشینم را شکست و بعد هم اسلحه‌ای را از جیبش خارج کرد تا به من شلیک کند که تلاش کردم آن را از او بگیرم .

کنتمشکی بین ما در گرفت و در نتیجه به‌صورت ناخواسته گلوله‌ای از اسلحه به پهلوئ او خورد و من از ترس بلافاصله از آنجا فرار کردم. قضات کیفری پس از اظهارات متهم، شاهد و شاکیان پرونده وارد شور شدند و پرونده را از موارد لوث تشخیص دادند و حکم به برگزاری مراسم قسامه دادند. به این ترتیب مقرر شد تا اولیای دم ۵۰ نفر از بستگان نسبی خود را برای ادای قسم به دادگاه معرفی کنند تا آنها بر قاتل بودن بهرام سوگند یاد کنند و در این حالت متهم به قصاص محکوم خواهد شد.

درخواست قصاص برای ابلیسی سیاه

گروه حوادث/ مرد طمعکار که برای تصاحب اموال پدرخوانده‌اش با اجیر کردن ابلیس سیاه و دو همدستش سناریوی قتل پیرمرد را رقم زده بود، صبح دیروز در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، این حادثه روز ۲۹ بهمن سال ۹۷ در بیلور دیرا واقع در سعادت آباد تهران رخ داد. مرد جوانی که بعد از ورود به خانه پدرش با جسد او روبه‌رو شده بود موضوع را به پلیس خبر داد و گفت از خانه پدرش سرقت شده است. وی به مأموران گفت: سال ۷۸ مادرم فوت شد و پدرم ازدواج کرد اما نامادری‌ام هم چند سال بعد به خاطر بیماری فوت شد. به همین دلیل پدرم برای سومین بار با زنی جوان ازدواج کرد که یک پسر به‌نام کامبیز داشت. پدرم همان سال‌ها همه اموالش را به‌نام من کرده بود. پس از چند سال وقتی کامبیز بزرگ شد از این موضوع ناراحت و چند بار هم با پدرم سر این موضوع بحث کرده بود. روز حادثه کامبیز با من تماس گرفت و گفت هر چه با پدرم تماس گرفته کسی پاسخ نداده است. نگران شده بودم به خانه پدرم رفتم و پس از شکستن در با جسد او روبه‌رو شدم. در ادامه با انتقال جسد به پزشکی قانونی کارشناسان علت مرگ را خفگی ناشی از کمبود اکسیژن بر اثر انسداد مجاری تنفسی اعلام کرده و مشخص شد با جسم خارجی گلویش را فشار داده‌اند و از آنجا که پیرمرد مشکل قلبی تنفسی نیز داشته خیلی زود جان باخته است. بدین ترتیب کامبیز به‌عنوان نخستین مظنون بازداشت شد اما او گفت، من و همسر و فرزندانم تا‌ها‌ر خانه پدرخوانده‌ام میهمان بودیم و بعدازظهر به خانه‌ام در کرج برگشتم اما وقتی به او زنگ زدم تا حالش را بیرسم جواب نداد نگران شدم و از پسرش خواستم به خانه او برود تا ببیند چه اتفاقی افتاده است. پلیس که به تناقض کوی‌های او پی برده بود به تحقیقات ادامه داد تا اینکه سرانجام کامبیز به قتل یابدری‌اش با همدستی سه مرد دیگر اعتراف کرد و گفت: مدتی بود مشکل مالی داشتم و پول نزل گرفته بودم چون نمی‌توانستم آن را پس بدهم از ناپدری‌ام پول خواستم اما او با اینکه وضع مالی خوبی داشت هربار بهانه می‌آورد و به من پول نمی‌داد. به همین دلیل عصبانی شدم و به سراغ مرد جوانی به‌نام نظیر معروف به ابلیس سیاه که افغانستانی بود رفتم. او چند ماه پیش از زندان آزاد شده بود و سابقه سرقت از خانه داشت به من گفت، همراه دو نفر از دوستانش به‌نام‌های فرهاد و امیر به خانه پدرخوانده‌ام می‌روند و از آن جا سرت می‌کنند. روز حادثه دو پیرس غذا از رستوران گرفتم و به نظیر دادم تا او و دوستانش به بهانه بردن غذای نذری به خانه پدرخوانده‌ام وارد شوند و سرقت کنند اما وقتی وارد خانه شدم دست و پای پیرمرد را ببستند و او سراغ کلید گاوصندوق را گرفتند که او مقاومت کرده و آنها هم با پیچیدن پارچه دور صورت و گردنش وی را خفه کردند. متهمان که مقدار زیادی طلا، پول، فرش ابریشم و ساعت و لوازم با ارزش خانه را سرقت کرده بودند با اعتراضات کامبیز دستگیر شدند و به قتل اعتراف کردند. سرانجام پرونده متهمان با صدور کیفرخواست روانه دادگاه کیفری استان تهران شد و صبح دیروز نظیر به اتهام قتل و سرقت، فرهاد و امیر به اتهام معاونت در قتل و مشارکت در سرقت و کامبیز به اتهام معاونت در سرقت در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستادند.

در ابتدای جلسه فرزندان مقتول به‌عنوان اولیای دم برای متهمان تقاضای قصاص و اشد مجازات کردند. سپس کامبیز و همدستانش به تشریح ماجرا پرداختند و اتهامات خود را مبنی بر طراحی نقشه سرقت و ارتکاب قتل پذیرفتند. بدین ترتیب در پایان جلسه قاضی دلداری و قاضی زالی از شعبه دوم دادگاه کیفری استان تهران برای تصمیم‌گیری درباره متهمان و صدور حکم وارد شور شدند.

سقوط هواپیمای امریکایی روی ۲ خانه

یک فروند هواپیمای سبک امریکا با شش سرنشین در ایالت یوتا واقع در غرب این کشور سقوط کرد. به گزارش نشریه امریکایی نیویورک تایمز، این هواپیما در منطقه «وست جردن» روی دو ساختمان مسکونی سقوط کرد که باعث آتش‌سوزی شد. بنا بر این گزارش مقامات پلیس وست جردن در نخستین کنفرانس خبری اعلام کردند سقوط این هواپیما منجر به آتش‌سوزی شد و شش سرنشین و یک نفر که در یکی از ساختمان‌ها بوده مجروح شده اما امکان تلفات بیشتر در این حادثه وجود دارد. نیویورک تایمز افزود: مقامات پلیس در این کنفرانس خبری به جزئیات بیشتر حال آسیب‌دیدگان این سانحه هوایی نپرداختند.

خبر

دزدی ۴ میلیاردی زوج سرایدار

در شب عروسی

گروه حوادث/ زوج سرایدار پس از اینکه صاحبخانه به مراسم عروسی رفت تمام اموال با ارزش خانه را سرقت کرده و به شهرستان فرار کردند.
به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، حدود ۱۰ روز پیش خبری مبنی بر سرقت از یک خانه ویلایی در محله قلهک به پلیس ۱۱۰ اعلام شد و تیمی از مأموران کلانتری ۱۳۴ قلهک برای بررسی موضوع به محل سرقت رفتند. نخستین بررسی‌ها نشان می‌داد زوج صاحبخانه شب حادثه برای شرکت در یک جشن عروسی، خانه را ترک کرده بودند اما موقع برگشت متوجه سرقت طلاها، چند تخته فرش دستباف، حدود ۳۰۰ عدد ساعت برند، مقدیری دلار، چند عدد تابلو فرش از دستگاه خودروی «هایما» از خانه شان شدند. سردار کیوان ظهیری، رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ درباره جزئیات این خبر اظهار کرد: مأموران کلانتری ۱۳۴ قلهک در تحقیقات بیشتر دریافتند که صاحب خانه ویلایی روز پیش از سرقت، یک زن و مرد را به‌عنوان سرایدار خانه خود استخدام کرده بود و یک خانه (سوئیت) سرایداری در مجاورت خانه خود را، در اختیار این زوج سرایدار



گروه حوادث/ تفاوت قد عجیب دو برادر کیف قاپ‌خشن که هنگام سرقت، طعمه‌هایشان را مجروح می‌کردند سرخ مهمی برای دستگیری آنها به دست پلیس داد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، اوایل اسفند سال گذشته مأموران پلیس با شکایت‌های سریالی کیف‌قاپی مواجه شدند. تمامی مالباختگان مدعی بودند که سرقت‌ها از سوی دو پسر جوان که یکی از آنها بسیار قد بلند و دیگری کوتاه بود رخ داده است، یکی از شاکی‌ها در تحقیقات گفت: برای خرید طلا به مغازه‌ای داخل یک پاساژ رفته بودم، بعد از خرید به سمت خودروی می‌رفتم که ناگهان موتورسواری که ترک دو هر دوی آنها کلاه ایمنی به سر داشتند، از کنارم رد شد و یکی از آنها کیفم را قاپید. من که از این ماجرا شوکه شده بودم کیفم را محکم به‌دست گرفتم و سارق که با

مقاومت من مواجه شده بود، مرا روی زمین کشاند تا کیف را سرقت کند. تحقیقات برای شناسایی سارقان ادامه داشت تا اینکه مأموران گشت پلیس در یکی از مناطق شمال تهران متوجه شدند که دو پسر موتورسوار قصد سرقت کیف مرد جوانی را داشته‌اند و وقتی با مقاومت او روبه‌رو شدند چند متری وی را روی زمین کشاندند اما با کمک رهگذاران دو مرد موتورسوار که در سرقت ناکام مانده بودند هنگام فرار تعادل شان را از دست داده و زمین خوردند یکی از آنها موفق به فرار شد و مأموران نفر دوم را دستگیر کردند. با دستگیری یکی از موتورسواران او اعتراف کرد که به همراه برادرش اقدام به کیف‌قاپی می‌کرده است. با بازداشت پسر دستگیر شده که ریز نقش و کوتاه قد بود مأموران وارد عمل شدند و با دستگیری برادری که پسری قد بلند بود را ز سرقت‌های سریالی این دو برادر فاش شد. متهمان به دستور بازپرس دادسرای ویژه سرقت در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی پایتخت قرار گرفتند و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.

▪ **تفت‌تقراب‌ها دو متری**

از کی سرقت می‌کری؟ من آشپز رستوران بودم اما کرونا باعث

شد که رستورانمان تعطیل شود. ما هم که بیکار شده بودیم، مانده بودیم خرج و مخارج زندگی‌مان را از کجا تأمین کنیم که به فکر سرقت افتادم. البته به خانواده‌ام گفتم در کار خرید و فروش دلار هستم و درآمدش هم خوب است.

برادرت چگونه با تو همراه شد؟
من در خواب حرف می‌زنم. هر آنچه در روز برابم رخ می‌دهد در خواب بازگو می‌کنم حتی اگر کسی از من در خواب سؤال بپرسد جواب می‌دهم. از بخت بد یک شب که در خواب بودم برادرم به اتاقم می‌آید تا وسیله‌ای بردارد. من هم ماجرای سرقتی را که آن روز مرتکب شده بودم داشتم در خواب تعریف می‌کردم. برادرم که به ما مجرا کنجکاو شده بود در خواب از من سؤال می‌کند و من هم ماجرای بیکار شدنم و سرقت هایم را برای او تعریف کردم. روز بعد گفت اگر او را وارد ماجراهای سرقتم نکنم، مرا لو می‌دهد من هم به خاطر اینکه آپرویم در خانه نرود چاره‌ای نداشتم که برادرم را هم در این سرقت‌ها همراه خودم کنم. هر چه گیرمان می‌آمد بین خودمان تقسیم می‌کردیم برای همین به همدستم گفتم که دیگر نمی‌خواهم با او سرقت کنم و با برادرم سرقت‌ها را ادامه دادم.

شگرد سرقت هایت چه بود؟
سوزه‌های ما کسانی بودند که از بانک‌ها، صرافی‌ها و طلافروشی‌ها با کیفی پر بیرون می‌آمدند. آنها را تعقیب می‌کردیم و در فرصتی مناسب کیف را می‌قاییدیم. یک روزهایی برای پیدا کردن سوزه مناسب مجبور می‌شدیم که چندساعت وقتمان را در جلوی صرافی‌ها و طلافروشی‌ها صرف کنیم.

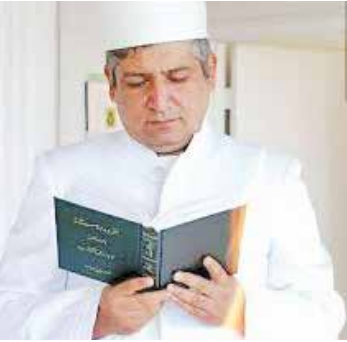
چرا آنقدر تفاوت قدر دارید؟
زنتیکی است. من به فامیل پدرم رفتم‌ام و او به فامیل مادرم برای همین هم من قدم خیلی بلند شد و او کوتاه. **چند سرقت انجام داده‌ای؟** فکر می‌کنم ۱۵ تایی شده، هربار کیفی که داخل آن دلار و طلا بود سرقت می‌کردیم، روزگاران را می‌گذرانیدیم و هر وقت پولمان تمام می‌شد دوباره سرقت می‌کردیم.



در نهایت دو سارق را بازداشت کردند. ظهیری با بیان اینکه در مجموع در این پرونده هفت نفر بازداشت شدند، گفت: تمام اموال مسروقه از سارقان کشف شد همچنین متهمان پس از

تحقیقات قضایی

برای افشای راز قتل موبد زرتشتی



گروه حوادث/ رمزگشایی از ماجرای قتل رموز موبد زرتشتی و دو مرد دیگر که اجسادشان در یک خانه ویلایی در شهر ماهان کرمان پیدا شده، از سوی پلیس ادامه دارد.

▪ **احتمال قتل با انگیزه مالی**

دادخدا سالاری، دادستان عمومی و انقلاب کرمان با تأیید قتل موبد زرتشتی و ۲ همراه او به خبرگزاری صدا و سیما گفت: جسد این ۳ نفر که میانگین سنی شان ۴۰ تا ۵۰ سال است، چند روز پیش کشف شده است. مجموعه دستگاه قضا و پلیس آگاهی به محض اطلاع از قتل، پیگیری و تحقیقات این موضوع را در دستور کار قرار داد. وی در ادامه افزود: در رابطه با این پرونده تحقیقات خوبی صورت گرفته است. با توجه به اینکه در خودروی یکی از مقتولان ۱۰ هزار دلار امریکایی کشف شده مشخص می‌شود انگیزه قتل اختلافات مالی بوده است. ضمن اینکه یکی از مقتولان از اقلیت‌های مذهبی زرتشتی بوده و دو نفر همراه او مسلمان بوده‌اند. سالاری در پایان گفت: بررسی موضوع بدون توجه به ملیت و دین به همت اکیپ ویژه از پلیس آگاهی و کارآگاهان و بازرس ویژه قتل در حال بررسی است و با روشن شدن انگیزه قاتلان از ارتکاب این قتل اطلاع‌رسانی خواهد شد. قتل این سه فرد در کرمان صورت گرفته و اجساد به خانه ویلایی منتقل شدند که با مراجعه به ویلا این اجساد کشف و اطلاع‌رسانی شده است.

آسانسور خراب

جان پسر نوجوان را گرفت

گروه حوادث/ پسر نوجوان که برای رفتن به خانه‌اش در طبقه پنجم ساختمان سوار آسانسور شده بود به علت خرابی آسانسور به داخل چاهک سقوط کرد و جان باخت.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۸ شب ۴ مرداد مأموران کلانتری ۱۳۴ قلهک در تماس با بازپرس کشیک قتل پایتخت از سقوط پسر ۱۶ ساله‌ای به داخل چاله آسانسور خبر دادند. با اعلام این خبر تحقیقات به دستور بازپرس جنایی آغاز شد. بررسی‌ها نشان داد که پسر نوجوان برای رفتن به منزل خود در طبقه پنج ساختمان محل حادثه در حال استفاده از آسانسور بوده که ناگهان آسانسور هنگام بالا رفتن خراب شده و کابین آسانسور بین طبقه چهارم و پنجم متوقف شده بود. پسر ۱۶ ساله که داخل آسانسور گیر افتاده بود زنگ هشدار را به صدا در می‌آورد. سرایدار ساختمان که از بستگان پسر نوجوان بود به همراه کلید آسانسور به سمت آسانسور رفت. مرد سرایدار با کلیدی که در دست داشت در آسانسور را باز کرد و پسر نوجوان نیز درحالی‌که قصد داشت از کابین آسانسور در طبقه چهارم خارج شود، ناگهان به چاهک آسانسور سقوط کرد و جان خود را از دست داد. در ادامه بررسی‌ها مشخص شد که آسانسور چار نقص فنی شده و در روز قبل از سوی مسئول شرکت سازنده تعمیر شده بود اما در شب حادثه دوباره خراب شد و این خرابی به قیمت جان پسر نوجوان تمام شد. بدنبال این حادثه جسد او به دستور بازپرس شعبه پنجم دادسرای امور جنایی پایتخت به پزشکی قانونی منتقل شد و پرونده برای ادامه تحقیقات به دادسرای محل ارجاع شد.

فروش داروهای کمیاب در مغازه متروکه

گروه حوادث/ مالک مغازه متروکه که بیش از ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار قرص و داروهای مسکن کمیاب را انبار کرده و به متقاضیان می‌فروخت دستگیر شد. سرهنگ «ایوب صالحی» رئیس کلانتری ۱۴۹ امامزاده حسن در توضیح این خبر بیان داشت: مأموران کلانتری ۱۴۹ امامزاده حسن با دریافت گزارشی مبنی بر اینکه مالک مغازه متروکه‌ای در حوالی بزرگراه سعیدی مقدار فراوانی دارو و قرص‌های مسکن کمیاب که بیشتر به بیمارستان‌ها فروخته می‌شود و در داروخانه عرضه نمی‌شود، در داخل مغازه‌اش جمع‌آوری کرده و در حال توزیع آن است، بررسی موضوع در اختیار تیمی از مأموران عملیات کلانتری قرار گرفت.

در تحقیقات پلیسی مغازه متروکه و هویت مالک آن شناسایی و نتیجه تحقیقات پلیسی در اختیار مرجع قضایی قرار گرفت. بدین ترتیب مراقبت‌های ویژه پلیسی ادامه داشت تا اینکه ظهر روز شنبه با دستور قضایی مالک مغازه دستگیر و در

بازرسی از داخل مغازه وی ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار قرص و داروهای مسکن کمیاب کشف شد. ارزش ریالی اموال کشف شده توسط کارشناسان مبلغ ۱۵ میلیارد ریال برآورده شده و متهم پس از اعتراف به جرم ارتکابی برای سیر مراحل قانونی در اختیار مرجع قضایی قرار گرفت.

یک نفر هر چاکه می‌رفتم مرا تعقیب می‌کرد و مدام در حال صحبت با تلفن همراهش بود و اسم ایستگاه‌ها را به شخصی که پشت تلفن بود می‌گفت. با اینکه شک کرده بودم اما با خودم گفتم دچار توهم شده‌ام، در ایستگاه مترو پیروزی از قطار پیاده شدم و خودم را به خیابان رساندم که ناگهان همان مردی که مرا در مترو تعقیب می‌کرد به سمتم آمد و مرا به داخل خودرو پژو هل داد و خودش هم سوار شد. چهره مردی که مرا تعقیب می‌کرد برایم آشنا بود اما از آنجایی که ماسک به چهره داشت و عینک زده بود، نتوانستم او را بشناسم. بدین ترتیب دوربین‌های مدار بسته اطراف محل حادثه مورد بازرینی قرار گرفت و تصویر پژو سواران به‌دست آمد. زمانی که تصویر متهمان به امیر و مادرش نشان داده شد، زن جوان آنها را شناسایی کرد و گفت: آنها برادرهای ناتنی

همسر سابقم هستند.

زمانی که پدر شوهرم فوت کرد، ارثیه خوبی به اردلان - شوهر سابقم - رسید اما همین موضوع باعث کینه و اختلاف شدید بین او و برادرهای ناتنی‌اش شد آنها می‌گفتند که حق اردلان نبوده که ارث بیشتری ببرد. او ادامه داد: یک سال قبل من به خاطر اختلافاتی که با اردلان داشتم از او جدا شدم و حضانت بچه‌ام را نیز به عهده گرفتم. احتمالاً دو عموی ناتنی امیر زمانی که دیدند از طریق شوهر سابقم نمی‌توانند به ارثیه‌شان برسند، تصمیم گرفتند که امیر را برپایند تا دارای آزادی اواز همسر سابقم پول بگیرند.

به دنبال اظهارات زن جوان، به دستور بازپرس جنایی تحقیقات برای بازداشت دو عموی ناتنی و شناسایی انگیزه اصلی آنها از این کودک‌ربایی صادر شد.